



koorosh.m.odarrei@gmail.com

کوروش مدرسی

به مسلمان و مسیحی و یهودی تقسیم میکردند و آنها را به جان هم می انداختند، امروز دارند برای همه ما لباس قومی میدوزند و میخواهند مردم را قانع کنند که باید بر سر هر کوچه و رودخانه و کوه و ده و دره و شهری همدیگر را

صفحه ۲

نه قومی ، نه اسلامی ، زنده باد هویت انسانی

سرمایه داری به ضرب دستگاه مهندسی افکار خود با همکاری ژورنالیست های نوکر، دار و دسته آخوند های مفت خور و با کمک بی بی سی و آل احمد های ایرانی و فرنگی خود بر تن انقلاب آزدیخواهانه مردم ایران در سال ۵۷ لباس اسلامی کرد.

امروز در پاسخ به خطر انقلاب دیگر و ناتوان از یکسره کردن قدرت به نفع خود، با تبلیغات قومی، با اتکا به نیروی مسلح جریانات فاشیست و اسلامی، با توسل به پول و اسلحه جمهوری اسلامی و آمریکا و البته همگامی طوبله ابلهان سیاسی

با اگر تا امروز مذهب را مبنای هویت انسانها قرار میدادند و برای حفظ منفعت خود، برای رساندن خود به قدرت، مردم را

جمعه ها منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۲۷ آبان ۱۳۸۴ ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com



darabi.a@bredband.net

گفتگو با عبدالله دارابی فرمانده سراسری گارد آزادی

گارد آزادی: اولویتها ، سازماندهی و موازین

کمونیست: با تبریک برای موقعیت جدید شما بعنوان فرمانده سراسری گارد آزادی. اولین سوالم این است که در شرایط فعلی یعنی موقعیتی که جمهوری اسلامی سرنگون نشده اما اوضاع از نظر داخلی و بین المللی مخاطره آمیز است گارد آزادی چگونه فعالیت می کند؟

جمعه در برابر ماجراجویی های نظامی جریانات مذهبی و قومی در ایران تشکیل میشود و به همین خاطر امر سازمان دهی و تسلیح مردم بویژه جوانان در شهرها در مقابل تعرض نیروهای جمهوری اسلامی و دار و دسته های مسلح قومی و مذهبی را در دستور گذاشته است.

علاوه بر اینها، گارد آزادی در کردستان وظیفه ابراز وجود علنی و قدرتمند در برابر نیروهای رژیم بمنظور حفاظت از رهبران کمونیست برای حضور در میان مردم ، حفاظت از تحرک دسته های سازمانده حزب در مقابل مزاحمت نیروهای جمهوری اسلامی و یا احیانا احزاب و دارودسته های فاشیست قومی یا مذهبی و انجام گشت های متنوع بمنظور بررسی شکایات مردم میباشد. بعلاوه در کردستان گارد آزادی با جاسوسان و همکاران رژیم برخورد جدی خواهد کرد.

گارد آزادی به عنوان بازوی مسلح حزب وظیفه دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی مردم و جامعه را دارد. گارد آزادی بمنظور تسریع روند سرنگونی رژیم و واكسینه کردن

گارد آزادی بعلاوه صفحه ۲

انقلاب در تردید و دست دراز

سرکوب رژیم اسلامی!

تعیین شده است. حکومت اسلامی در صدد است کشمکش یک سال و نیمه حول این پرونده را با پیروزی خود پایان برساند. یکسال و اندی است که طولش میدهند. بزندان میاندازند، احضار میکنند، دست به تهدید میزنند و تنور دادگاه و پرونده و مجازات را داغ نگه میدارند. احکام داده شده قدیمی از طرف رژیم به جلو است. با اینحال حرف آخر هنوز زده نشده است. اینکه دادگاههای انقلاب در را برای تغییر احتمالی

حکم نیمه باز گذاشته اند، لازم نیست بمعنای ضعف رژیم بحساب بیاید. این تنها یک شانس را در اختیار ما مردم قرار میدهد که نیرو و قدرتمان را سر و سامان بدهیم؛ تا رژیم را پشیمان کنیم. این یک کار بزرگ و هدفی مهم است که نباید آنرا دست کم گرفت. ما هم باید بتوانیم جان یاران خود را در مقابل این حکومت حفظ کنیم و هم اینکه فکر و روحیه و اشتباهی و آمادگی برای سرنگونی را جان تازه ای ببخشیم.

صفحه ۳



mostafa.asadpoor@gmail.com

مصطفی اسدپور

جمهوری اسلامی علیه مردم قدمی بجلو برداشت. مجازاتی معادل دو تا پنج سال بخاطر اقدام برای برگزاری، و یا صرف شرکت در مراسم روز کارگر سال ۱۳۸۳ در شهر سقز،

تمامیت ارضی ، فدرالیسم

دو طرح ارتجاعی ،

دو روی یک سکه

از جمله کسانی که با طرح فدرالیسم مخالفت کرده است، داریوش همایون از سخنگویان جریان مشروطه و سلطنت طلب است. نوشته های اخیر وی در ارتباط با موضوع فدرالیسم از اب و خاک و هویت ملی حاوی همان سیاستهای آشنای "ناسیونالیسم عظمت طلب پرستان فدرالیست هم بر همین



Hoseinzadeh_r@yahoo.com

رحمان حسین زاده

اساس جنبش و حرکت سیاه راه انداخته اند. همایون با پرچم "ملت" صفحه ۳

شورشهای پاریس، عصیان گرسنگان علیه سرمایه

صفحه ۴

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد

قرار در مورد ضرورت تحکیم پرچم انقلابی

در جنبش سرنگونی صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد

روزهای ۲۱ و ۲۲ آبان ۱۳۸۴ (۱۲ و ۱۳ نوامبر ۲۰۰۵) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با شرکت اکثریت اعضا و با حضور کوروش مدرسی لیدر حزب و شماری از اعضا کمیته مرکزی برگزار شد.

پس از بررسی گزارش لیدر حزب و تاکید بر ضرورت تسریع در اجرای نقشه عمل کمیته های

اصلی حزب و سازماندهی گارد آزادی، دفتر سیاسی در بحث اوضاع سیاسی ایران راجع به محورهای زیر تبادل نظر کرد:

- دورنمای فلاکت، وخیم تر شدن موقعیت اقتصادی رژیم
- سناریو فدرالیسم، نیروهای درگیر در آن، راه مقابله با آن
- کشمکش اتمی، آخرین تحولات
- مخاطرات احتمالی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی
- در این مبحث، شرکت کنندگان نشست بر جوانب گوناگون وظایف حزب در دفاع از مدنیت جامعه و بنیادهای زندگی مردم در مقابل خطر سناریو سیاه در

روند سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن، و بطور ویژه بر ضرورت آگاه کردن و آماده کردن طبقه کارگر برای تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی به تخته پرش انقلاب سوسیالیستی خود تاکید مجدد گذاشتند.

در بخش دیگر نشست در بررسی عصیان اخیر در فرانسه و برخورد کمونیستی به آن، تاکید شد که شکاف فقر و ثروت در فرانسه و ایران و هر جای دیگر جهان امروز، عامل بنیادی چنین عصیانهایی است که بخاطر عدم حضور کمونیستها و سیاست متمایز طبقه کارگر در راس آن،

اکثرا بر شکافهای نژادی، قومی و مذهبی موجود در جامعه میافتد؛ در حالیکه دولتها و جریانانات

سیاسی بود که تصمیمات مربوط به آن در زمان مناسب در نشریات حزب منتشر خواهد شد. چند قرار ارجاع شده از سوی پلنوم سوم کمیته مرکزی هم در نشست بررسی شد؛ از میان آنها قرار "در مورد تلاش برای گسترش دامنه عمل پرچم انقلابی در جنبش سرنگونی تصویب شد و بقیه به جلسه آتی دفتر سیاسی موکول گردید.

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ آبان ۱۳۸۴ (۱۸ نوامبر

۲۰۰۵)

گرفت. هیچ خانه و خانواده ای از این آتش نفرت قومی مصون نخواهد ماند. به بغداد، به ساریوو و به رواندا نگاه کنید. قوم پرستان و فدرالیست های قومی دروغ میگویند. دنبال منفعت خود هستند برای شریک شدن در قدرت همه را فدا میکنند. کردستان عراق را نگاه کنید. مردم!

ما انسانیم. نه فارسیم، نه کردیم، نه ترک و آذری و نه

بلوچ و عرب. نه مسلمانیم و نه مسیحی و بهائی و شیعه و یهودی. انسان هستیم که باید آزاد باشیم و باید در برخورداری از نعمات زندگی حق مساوی داشته باشیم. امروز باید از این هویت و زندگی انسانی خود در مقابل هویت مذهبی و قومی دفاع کنیم. شعار ما مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری است. نباید اجازه دهیم چندین نسل دیگر جامعه ما فدای طاعون فدرالیسم و قوم

پرستی شود. باید آنچنان با مشت محکمی بر پوزه این روشنفکران رذل و عقده ای مشتاق قدرت و این پا اندازان کثیف سرمایه داران بکوبیم که دیگر جایی برای سرمایه گذاری بر نفرت و جدائی مذهبی و قومی نماند و یک بار برای همیشه این لشکر انگل های اجتماعی دست از سر ما بردارند.

مردم!
باید کار جمهوری اسلامی را

ساخت. ما سرنگونی جمهوری اسلامی را به محمل عروج آزادی و برابری انسانها، انقلاب سوسیالیستی، تبدیل خواهیم کرد. تضمین میکنیم که بر پرچم سرنگونی جمهوری شعار "نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی" حک شود. به ما حکمتیست ها به پیوندید.



گارد آزادی...

در اشکال متنوع در محل زندگی و کار مردم سازمان پیدا میکنند و در کنترل محلات، اعمال قدرت در مقابل رژیم و دار و دسته های ارتجاعی نقش اساسی بازی خواهند کرد.

کمونیست: اقدامات بلند مدت شما در سازماندهی گارد آزادی چیست؟ چه برنامه هایی را در دستور دارید؟

عبداله دارابی: اگر کسی فکر کند سرنگونی جمهوری اسلامی مثل قیام ۵۷ خواهد بود سخت در اشتباه است. شواهد واقعی و عینی در ایران و منطقه خلاف آنرا نشان می دهد. اگر کسی فکر کند یک نیروی طالب کسب قدرت در آینده ایران بدون پتانسیل نظامی شانس پیروزی را خواهد داشت باز در اشتباه است.

جمهوری اسلامی تا دندان مسلح است و هر خواست سیاسی را با اسلحه پاسخ میدهد و جریانات اپوزیسیون دست راستی ایران هم بخاطر تکرار سناریو سیاه عراق در ایران، به پرسه زدن در دالانهای انتظار کاح سفید مشغولند و برای وقوع آن روز

شماری میکنند. اگر اینها معنی داشته باشند، حزب مسلح طبقه کارگر و مردم هم معنی دارد. بنا بر این کارگر کمونیست و حزب سیاسی اش در چار چوب یک تعیین تکلیف صرفا سیاسی با رژیم و بعد از آن روبرو نیست.

سیاست در ایران از جانب قوم پرستان، نیروهای مذهبی و به یمن حمایت دولت آمریکا بعد چیدنی پیدا کرده است. طبقه کارگر و کمونیست ها و مردم انقلابی باید از همین حالا چشمشان را باز کنند و پتانسیل نظامی حزب خود را در خدمت روند مبارزه جنبش طبقه کارگر، مبارزه مردم در شهر ها و قیام شهری و... بکار به بندند. ما با سرنگونی جمهوری اسلامی، راه را برای برقراری حکومت سوسیالیستی در ایران هموار می سازیم. تشکیل گارد آزادی در خدمت این روند است و شرایط و اوضاع و احوال چنین ایجاب میکند که پتانسیل حضور نظامی حزب نه تنها در کردستان در ایران هم ایجاد و گسترش یابد.

تشکیل یک گارد آزادی و ایجاد پتانسیل نظامی در سراسر ایران یکی از اقدامات ما خواهد بود که

طبق برنامه دقیق و حساب شده به آن خواهیم پرداخت.

کمونیست: گارد آزادی از نظر مالی و تدارکاتی چگونه خود را تامین می کند؟

عبداله دارابی: گارد آزادی پول میخواهد، اسلحه و مهمات میخواهد، آموزش میخواهد و هزار و یک هزینه دیگر دارد. قاعدتا منبع اصلی تدارکات و تسلیحات گارد آزادی از یک طرف کمک داوطلبانه مردم و از طرف دیگر انبارها و امکانات رژیم است. متحقق کردن این امکانات وقت میخواهد و گارد آزادی هم مثل هر پروژه دیگری "سرمایه اولیه" میخواهد. تا امروز بار تامین مالی و تدارکاتی گارد آزادی عمدتا رو دوش اعضای حزب و دوستدارانی بوده که بخاطر باز پرداخت قرض های بانکی حزب قبلی (حزب کمونیست کارگری ایران) هنوز به لحاظ مالی کمر راست نکرده اند.

در نتیجه جا دارد همین جا به مشکل و کمبود مالی گارد آزادی به عنوان مشکلی بزرگ اشاره کنم و رو راست آنرا با همه

سؤال به نوشتن نکاتی کوتاه در این زمینه بسنده میکنم و بحث تکمیلی آنرا به نوشته های بعد موکول مینمایم. گارد آزادی بازوی مسلح حزب حکمتیست است که برای خدمت به اهداف و برنامه این حزب سازمان یافته است. سازماندهی نیروی گارد آزادی اساسا در محل زیست مردم بویژه در شهر ها صورت میگیرد و سلسله مراتب فرماندهی آن نیز توسط کمیته حزب در شهر ها تعیین میشود. پیوستن به گارد آزادی الزاما به معنی عضویت در حزب نیست. ما بطور اتوماتیک عضو گارد آزادی را عضو حزب میدانیم مگر اینکه خود فرد نخواهد. گارد آزادی از فرماندهی سراسری برخوردار است و کمیته ها و سلسله مراتب آن به تدریج اعلام میشود.

مبنای سازماندهی واحد های گارد آزادی در داخل بصورت منفصل و مستقیمی به فرماندهی وصل هستند ولی در شرایط و اوضاع و احوال کنونی واحد های گارد آزادی مستقما از طریق فرماندهی سراسری هدایت میشود.



نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی



لادن داور



نسان نودینیان



محمود قزوینی

رای اعتماد برای عضویت لادن داور و نسان نودینیان در کمیته خارج کشور و محمود قزوینی در کمیته داخل پاسخ مثبت داد. بدین ترتیب این رفاقا به کمیته خارج و کمیته داخل اضافه میشوند.

دفتر اجرایی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ نوامبر ۲۰۰۵

ترمیم کمیته داخل و کمیته خارج کشور

دفتر سیاسی حزب به تقاضای دبیر کمیته مرکزی برای گرفتن

از صفحه ۱
تمامیت ارضی ...

ایران" و فدرالیستها با پرچم "ملت ترک، کرد، بلوچ و عرب" در مقابل هم قرار میگیرند. داریوش همایون به نمایندگی از بورژوازی عظمت طلب ایرانی کل قدرت را میطلبد و ناسیونال فدرالیستها کرد و عرب و بلوچ و... برای گرفتن سهمی از همان قدرت طرح و فرمول ارتجاعی فدرالیسم را علم کرده اند. در واقع ارتجاع در مقابل ارتجاع قرار گرفته است.

این صف بندی نه تنها ربطی به مردم ایران و منافع آنها ندارد بلکه دقیقاً هر دو سو در ضدیت با منافع مردم ایران است. مخالفت آقای همایون با فدرالیسم نه از زوایه مقابله با

نگرانی به هم ریختن شیرازه مدنیت جامعه، نه از زوایه نگرانی از درافتادن مردم به جان هم، نه از زوایه منافع انسان و انسانیت، نه به خاطر جلوگیری از جنگ و کشتار و پاکسازی قومی و شهری و کشوری در کام جنگ سوختن، بلکه از زوایه دفاع از "ساحت مقدس ملی" و دفاع از "مرز پرگهر" با شعار "چو ایران مباد تن من مباد" است. پلاتفرم و شعارهایی که در دوره رژیمهای سلطنتی (که آقای همایون یکی از وزیران بازمانده آن دوره است) و جمهوری اسلامی مبنای سرکوب و کشتار و جنگ و لشکر کشی علیه تحرک حق طلبانه از جمله در کردستان بوده است. کاری که اگر احياناً روزی روزگاری ناسیونالیسم ایرانی و آقای

همایون به قدرت برگردند با سابقه و تجربه ای که از همان لشکر کشیها و کشتارها که در چنته دارند، بدتر از گذشته در دوره سناریو سیاه بازی آمریکا از راه انداختن بیشترین پاکستانیهای قومی شبیه یوگوسلاوی ابا نخواهند کرد. اتفاقاً همین اقدامات سرکوبگرانه و سیاست شوونیستی دفاع از "تمامیت ارضی" و سیاستهای تبعیض آمیز در عرصه زبان و فرهنگ و درجه ۱ و ۲ کردن مردم بر اساس ملیت بیشترین زمین و امکان را به ناسیونالیستهای محلی و فدرالیستهای امروز داده است، تا به قول خودشان در مقابل ناسیونالیسم ایرانی بایستند و دکان سیاسی باز کنند. در واقع یک مبنای موثر شکل گیری و

عروج ناسیونالیسم محلی ایران بر بستر جاری بودن سیاست شوونیستی شبیه دیدگاه داریوش همایون چه در دوره حاکمیت سلطنتی و در دوره جمهوری اسلامی بوده است. فدرالیستها بر این اساس و با بهره گیری از پیامدهای نظم نوین جهانی و حمایتها و سناریو سازیهای سیاه آمریکا در ایران سربلند کرده اند. در واقع تمامیت ارضی طلبان و فدرالیستها دو روی یک سکه در مقابل هم و در مقابل مردم قرار گرفته اند.

جدال و کشمکش ناسیونالیستها و نسخه های غم انگیزی که برای آینده جامعه ایران می پیچند را باید جدی گرفت چون حمایت و پول و اسلحه آمریکا و هم پیمانانش را در اجرای

عراقیزه کردن جامعه ایران خواهند داشت.

صف ما مردم آزادیخواه و حکمتیستها به طور پایه ای در مقابل پروژه های ارتجاعی تمامیت ارضی طلبان و فدرالیستها و در مقابل کل ارتجاع است. نیروی قدرت ما و مردم آزادیخواه میتواند چنین طرحها و نسخه های غم انگیز را خنثی و مدنیت، امنیت و معیشت و آزادی و برابری مردم در فرای سرتنگی جمهوری اسلامی را تضمین کند. برای تحقق این هدف باید حول منشور سرتنگی جمهوری اسلامی، حزب حکمتیست و گارد آزادی متحد و متشکل شد. به این صف پیوندید.

از صفحه ۱

لابد بسیاری کسان در میان ما هستند که در ادامه پروسه کشتار محاکمه کارگران سقز، شکست رژیم را محتمل تر میدیدند. کم نبودند کسانی که تصور میکردیم رژیم اسلامی خیلی پیشتر، این پرونده را بگور خواهد برد. اما بدینگونه نشد. در این یکسال و نیم باز هم تجربه کردیم که ادامه حیات این رژیم جز نکبت و تباهی و تحقیر چیز دیگری با خود ندارد. سالهای سال است که این رژیم با انواع بحران روبروست، و باز هم موفق شده است که بار بحرانهایش را روی سر مردم خراب کند. سالهای سال است، که این رژیم روی مبنای از نفرت عمومی و بر بستری از آرزو و خواست سرتنگی خود در میان اکثریت مردم ایران حاکمیت خود را تلاطم بخشیده است. سالهای سال است که همه و بیش از دیگران خود رژیم، از یک کابوس، از کابوس یک انقلاب و یک خیزش عمومی سخن بمیان میاورند. این خیزش اسیر سردرگمی و تردیدهای خود، هنوز شانس ماه های بیشتری از

حاکمیت جانوران اسلامی سرمایه داران در ایران را در اختیارشان قرار داده است. برای تعلل صفوف مردم زحمتکش و عمیقاً زخم دیده مردم ایران هر دلیلی وجود داشته باشد، تغییری در لیس مجدد این واقعیت نمیدهد که هر روزی که به این رژیم امان ماندن دهیم، جز تباهی بیشتر نصیب دیگری نخواهیم برد. از جمله یکسال و نیم اخیر ایران و مردمش و حکومت اسلامی آن، بطرز خیره کننده ای این حکم پایه ای سیاست را به نمایش گذاشته است که نفرت و بیزاری و صرف خواست سرتنگی در میان مردم کفایت نمیکند. دردی را دوا نمیکند، و مانعی از دست درازی های تازه تر هم نیست. جمهوری اسلامی با حکم تازه دادگاه کارگران سقز در مقابل مردم دست پیش میگیرد. تعرض میکند تا کارگر و مردم و اعتراض را باز هم در حالت دفاعی و در سرگردانی نگه دارد.

لغو شود! آزادی آنها باید بی چون و چرا و فوراً برسمیت شناخته شود! جمهوری اسلامی بخاطر این مدت از تعقیب و آزار و فشار روحی و مالی و جسمی و خانوادگی باید به آنها خسارت بدهد! این خواستها واقعی و فوری اند. اما برای مقابله با رژیم باید همزمان به پرچمهای پایه ای خود روی آورد. باید حول آزادیهای بیقید و شرط سیاسی، آزادی تشکلهای و اجتماعات کارگری، آزادی همه کارگران و مردم حق طلب دست به بسیج زد. رژیم اسلامی را میتوان عقب راند تنها به این شرط که احکام صادر شده موجی از عزم راسخ و همبستگی را علیه بانیمان این جهنم دامن زده باشد. آزادی کارگران محملی شده باشد که تشکلهای و ارتباطات تازه تری میان مردم زحمتکش و کارگر شروع بخودنمایی کنند. میتوان رژیم را عقب راند به این شرط که سرکوبگران اسلامی آمادگی و تدارک وسیع مردم برای اعتصابات و تعطیلی شهرها و مدارس را از همین امروز مشاهده کنند. باید سردمداران رژیم تحرک وسیع برای نامن شدن دم و دستگاه حکومتیشان

را در اقصی نقاط دنیا وارد محاسبات خود نمایند. باید متبکر انواع تحرکات بود. دستگیر شدگان سخنرانان مراسم بودند که حقوق حقه کارگران را مورد تاکید قرار میداد. انواع سندیکاها و تشکلهای کارگری باید به دفاع از این سخنرانان برخیزند و در این راه خود را قوی تر ببینند. و در یک کلام باید بین ما مردم و رژیم روشن باشد که: با رسیدن پای محاکمه شدگان به زندان، از هر یک آنها یک سمبل رهایی و آزادی خواهیم ساخت؛ به زبیرتان میکشیم!

مردم محروم و جان به لب رسیده ایران چاره ای بجز تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی را ندارند. در اینراه باید با چشمان باز جنگ خود را با رژیم به پیش ببرند. ما، یارانمان در آستانه زندان، همگی مردم باید به این سیکل سیاسی مسموم دفاعی و آمیخته با انتظار فایق بیایم. رژیم اسلامی در ایران، خود، ما را به سرتنگ کردن این بساط فرامیخواند. راه دیگری برای خلاصی از این کابوس وجود ندارد. پروسه محاکمه

کارگران سقز تنها یک نمونه در یک سلسله پایان ناپذیر است. دارند دستمزد کارگر را پایین تر میاورند. با تشدید بیکاری و فلاکت رسماً به این طبقه و انسانیت و به خود هزاران هزار کارگری که دست به اعتصاب میزنند، دهن کجی میکنند. کودکان، جوانان، زنان، اقشار مختلف مردم زحمتکش؛ هیچکس درمان نیست و در امان نخواهد بود.

فعالین کارگری اول مه سقز، محمود صالحی، برهان دیوارگر، محسن حکیمی، جلال حسینی و محمد عبدی پورا را باید آزاد کرد. آنها مبلغ حق خواهی کارگر، مبلغ همبستگی کارگران، آنها در صدم متشکل کردن کارگران بوده اند. ما، انقلاب ما، حرکت ما برای رهایی از کابوس حکومت اسلامی، حرکت ما برای دنیای بهتر به آنها نیازمند است. آزادی کامل و فوری و بی چون و چرای آنها را به محملی برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی، و همچنین سکوی پرشی برای گامهای بلند بسوی رهایی همه کارگران تبدیل سازیم.

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی



حسین مرادیگی
(حمله سور)

شورشهای پاریس، عصیان گرسنگان علیه سرمایه

یادش آمد که باید قلم خود را برای تعرض به معترضین سرمایه به کار اندازد. اسلام سیاسی و گروههای اسلامی نیز از این موقعیت و در غیاب رهبری سوسیالیستی بر این حرکت و منتسب کردن آن بخود و نتیجتاً بدنام کردن آن، حداکثر استفاده را کردند.

عصیان گرسنگان علیه سرمایه و حاکمیت سرمایه در هر کجای دنیا موجه است، برحق است. توطئه راست جامعه را علیه آن باید افشاء کرد و عقب راند. بردگان مزدی حق دارند علیه بردگی مزدی عصیان کنند و اساساً جز قیام برای درهم کوبیدن کلیت نظام سرمایه داری که بشریت و خلاقیت بشر را در قرن بیست و یکم تماماً به اسارت کشیده است، راه دیگری ندارند. فقراتون در پاریس، لندن، برلین، نیویورک و نیوئورلئان و غیره زندگی توده کارگر و مردم محروم را به تباهی کشانده است. سرمایه از این لحاظ نیز پاریس و لندن و تهران و کراچی و ژوهانسبورگ و دهلی و غیره به هم وصل کرده است. همه جا صاحبان سرمایه، همه قدرت و ثروت جامعه را در دست دارند، توده کارگر و مردم محروم نیز با فقر و فلاکتی کم نظیر و مصائب ناشی از آن دارند دست و پنجه نرم میکنند. هر روز بر میزان بیکاران، گرسنگان و بی مسکنها و کسانی که اساساً زندگی خود را در پایتختهای مهد سرمایه داری از طریق "خبریه" سپری میکنند، بالاتر میروند. حتی اگر اینها هم نبود، که سرمایه داری اساساً یعنی اینها، نفس اینکه انسان را مجبور کرده اند برای تامین زندگی روزانه خود نیروی کار خود را برای چندین ساعت بفروشند، برای شوریدن و قیام کردن و خاتمه دادن به این بردگی مزدی که عامل بقاء و بانی همه مصائبی است که زندگی برای بشریت را به جهنمی واقعی تبدیل کرده است، کافیت.

عصیان و طغیان گرسنگان در هر کجای دنیا موجه و قابل دفاع است اما آنچه که در پاریس و شهرهای دیگر فرانسه و یابینجا و آنجای کشورهای اروپایی رویداد، راهش نیست. خشونت کور راهش نیست، به آتش کشیدن ماشین ها و آتش زدن

سربوب و چهل و خرافه آنان را قطع کنند. این حق بی مسکن هاست که ساختمانهای دولتی را اشغال کرده و تا تهیه مسکن مناسب توسط دولت آن را خالی نکنند. این نوع اقدامات است که تهران را به پاریس و بالعکس وصل خواهد کرد، نه آتش زدن ماشینهای مردم. این کار، تنها به راست جامعه و آخوندها و جمهوری اسلامی برای بدنام کردن و عقب راندن عصیان گرسنگان، میدان بیشتری میدهد.

در یک کلام، عصیان گرسنگان علیه فقر و فلاکت و طبقه حاکمه ای که این وضعیت را به آنان تحمیل کرده است موجه است و چیز تازه ای هم نیست. آنچه که تا زگی دارد عصیان گرسنگان در اوایل قرن بیست و یکم علیه فقر و فلاکت بی حد و مرزی است که سرمایه و طبقه سرمایه دارانهم با بودن این همه امکانات رفاهی و با پیشرفت وسیع تکنولوژی که ظاهر باید در خدمت بهبود زندگی بشر درآید، به بخش عظیمی از ساکنین این کره خاکی تحمیل کرده اند. فقر و فلاکتی که اکنون پایتختهای مهد سرمایه داری از جمله مراکز آن شده اند. سرمایه برای محکم کردن یوغ بردگی مزدی، راسیسم و ارتجاع نسبت فرهنگی و گتوسازی را چاشنی آن کرده است و زندگی را بر بخشهای از شهروندان این جوامع به معنای واقعی کلمه غیر قابل تحمل کرده است. این سیاستهای ضد انسانی را باید قویا محکوم کرد. باید از عصیان گرسنگان در مقابل راست جامعه دفاع کرد و توطئه راست جامعه را برای عقب راندن تعرض گرسنگان به ساخت سرمایه پس زد. این وضعیت یک بار دیگر نشان میدهد که تنها راه بردگان مزدی قیام علیه کلیت نظام سرمایه داری و پایان دادن به حاکمیت سرمایه است. تا نظام سرمایه باقی است، مردم جهان روی خوش نخواهند دید و همچنان شاهد ادامه این وضعیت و مصائب ناشی از نظام بردگی مزدی خواهند بود. اکنون با گوشت و پوست میتوان دریافت که جهان واقعا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر سوسیالیسم" به چه منجلابی بدل میشود!

قرار در مورد ضرورت تحکیم پرچم انقلابی در جنبش سرنگونی*

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اعلام میکند که:

۱. تلاش جدی در جهت ایجاد یک مبنای جنبشی و توده ای برای دفاع از انقلاب آتی ایران در برابر تعرض جریانات ارتجاعی، برای ایجاد شرایط انتخاب آزادانه و آگاهانه نظام آتی توسط مردم و همچنین برای دفاع از بنیادهای زندگی اجتماعی در مقابل خطر دارودسته های قومی و مذهبی باید در دستور حزب قرار گیرد.

۲. قطبی کردن جنبش سرنگونی حول مبانی و مفاد منشور سرنگونی از طریق یک تعرض وسیع سیاسی، فکری و عملی و جلب وسیعترین سازمانهای توده ای، سیاسی و اجتماعی انقلابی به این حرکت را ضروری میدانند.

۳. تلاش برای عملی کردن مطالبات منشور و تبدیل آن به خواست مردم و پرچم سرنگونی را مبنای همکاری حزب ما با جریانات سیاسی و اجتماعی دیگر میدانند.

۱۳ نوامبر ۲۰۰۵ - ۲۲ آبان ۱۳۸۴

* قرار پیشنهادی به پلنوم سوم که بررسی آن از جانب پلنوم به دفتر سیاسی ارجاع داده شد.

کمونیست را تکثیر و پخش کنید!

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!